



۲۰۱۸/۰۹/۱۹



احسان الله مایار

به عنوان فرزندان آزاده افغان

نوشته های دانشمند گرامی و دلسوز افغان، جناب عارف عباسی، که بنیاد آن روی تجارب فراخ وی در میهن ما گذاشته شده است، حقا که با نیات نیک بمنظور آگاهی آیندگان مردم افغان در خاک آبائی ما با صراحت و صلابت صحبت می کند. نظریات کتبی برادرم عباسی را با علاقه مطالعه می نمایم و احياناً در قبال مطالب مطروح وی گفتنی و یا نوشتنی داشته باشم نظر خود را بدان تعلیق می نمایم.

همه می دانیم که فیسبوک که عمرش به تناسب زمان چند روزگی بیش نیست لیک در این مدت محدود نظر به گفته بی بی سی که به تاریخ ۲۸ ماه جون ۲۰۱۷ چنین می نگارد: "تعداد مشترکین فیسبوک به دو میلیارد نفر رسید"، از اینرو نظر جای تعجب نخواهد بود که هر کدام روزی در آنجا سری نزنیم و سراغ رویداد ها را نگیریم. همین است که چند روز قبل به کوچۀ آن رفتم و نوشته ثابت شده با دلیل و برهان برادر عباسی را که ذیل و بعداً مطالعه خواهید نمود، از نظر گذشتاندم. این نوشته به روز سیزدهم سپتمبر ۲۰۱۸ نشر شده و در محیط خوانندگان به نظر نیک ارزیابی شده است.

بنده به دو فقره از نوشته وی، صنایع و زراعت، گزارشات و مطالبی را به خاطر دارم که اینک تا حد امکان از آن یاد نموده نام می برم که امید است در پهلوی اظهارات برادر محترم جانی کسب نموده بتواند.

اول- صنایع:

سال ۱۹۵۹م بعد فراغت تعلیم از آلمان غربی به کابل عزیزم رسیدم و بعد از یک هفته به وزرات معادن و صنایع رفته و به خدمت وزیر وقت، داکتر محمد یوسف رسیدم. وزیر معادن و صنایع با جدیت از سوابق در آلمان معلومات مفصل نموده و بعد از چند روز به من اطلاع داده شد که به دفتر معین حاضر شوم. به روز موعود حاضر شدم و دیپلوم انجنیر سید عبدالاحد معین و میر احمدعلیشاه معصومی، رئیس صنایع وظیفه مرا بحیث مدیر بخش کارگر تبریک گفته بنده را به اعضای مدیریت عمومی موصوف معرفی نمودند.

از آن تاریخ به بعد تا نیمه سال اول ظهور جمهوری در کشور سر و کارم با انکشاف و یا تدویر صنایع بوده و علی الخصوص زمانیکه مرحوم امان الله منصوری بحیث وزیر و معادن و صنایع اجرای وظیفه می نمود و بنده امور ریاست بوردمتخصصین را در وزرات موصوف به عهده داشتیم، ادعا کرده میتوانم که تقریباً با کار های عمده ای که ایجاب تصمیم گیری و فیصله وزیر را ایجاب میکرد، با اکثر فابریکات و پروژه های صنعتی مربوط به تصدی های دولتی روزمره مصروف بودم.

بعد از اشاره نسبت به رابطه بنده با صنایع میهن ما اینک معلوماتی که در حافظه باقی مانده است:

قابل یاد دهانی است نه خود نمائی که تا ختم وظیفه در مربوطات وزارت معادن و صنایع در اعمار و تدویر دو فابریکه، یکی پشمینه بافی پلچرخ بحیث رئیس و دومی شرکت میوه قندهار، بحیث معاون تخنیکی و ساختمانی مستقیماً و همچنان در تر میم مجدد پشمینه بافی قندهار منحصراً معاون تخنیکی و مشوره تخنیکی در بسته کاری ماشین آلات یخ سازی صوفی ولی محمد در قندهار، سهم داشتم.

تا جائیکه در حافظه دارم صنایع نساجی نخی افغانستان یکی از پیشرفته ترین صنایع در مملکت بوده که در اواخر اجناس نخی ساخت افغانستان که از جنسیت خوب برخوردار بود حتی به پاکستان طور قاچاق و یا طور رسمی صادر می گردید.

سابقه دار ترین فابریکه نساجی در جبل السراج بود که در زمان امارت امیر حبیب اله خان اعمار و تا قبل از جنگ جهانی دوم و بعد از آن نیز یک اندازه محدود منسوجات مورد ضرورت اردوی افغانستان را تهیه می کرد. در سال های جنگ جهانی دوم مردم محتاج به سان کفن بوده که بار ها دیده و شنیده شده که متوفی با لباس در بدن وی دفن می شدند.

در همان آوان بحرانی و مشکل مردانی بودند که به ابتکار مرحوم عبدالمجید زابلی و ریاست دیپلوم انجنیر امیر الدین شنسب فابریکات نساجی پل خمی را در زمان قهر جنگ دوم به پا ایستاده کردند و تولیدات سان کوره آن حتی به ایران قاچاق و به قیمت بلند بفروش می رسید. از بی کفنی تا به صادرات این خود نشانه از زحمت کشی و عشق به وطن است.

این مردان عاشق وطن تهداب بزرگترین فابریکه نساجی را در شیرخان خیل گلپهار گذاشتند که توسط پادشاه افغانستان با ترتیبات خاص افتتاح گردید و یکی از مدرنترین فابریکه نساجی در نیم قاره هند شمرده می شد. این سلسله احداث فابریکات نساجی کوتاهی نداشت در بگرامی مدرنترین فابریکه نساجی به کار افتاد، در پلچرخ پربت سنگ یکی از مدرنترین فابریکه تولیدات اجاس سندی را اعمار، در مزار شریف مدیر عبدالقیوم با کمک فرانسوی ها فابریکه مدرن نساجی را اعمار کرد و در همان مزار شریف شاه محمد خان فابریکه جن و پریس را اعمار کرد و در قندهار کمپنی یونیماتکس آلمانی فابریکه نساجی را اعمار و در هرات فابریکه دیگر نساجی اعمار گردید.

تا جائیکه به خاطر دارم در اواخر بیش از هفتاد تا هشتاد هزار نفر در فابریکات نساجی نخی مشغول کار بودند. خوانندگان محترم بایست نیک ببانیدند که این همه فابریکات نساجی مواد خام مورد ضرورت شان، اعنی پنبه و یا پخته، را از کجا تهیه می کردند؟

شمار صفحه را در کمپیوتر دیدم که به هشت رسیده و مواد ثبت شده در حافظه ام در این مبحث خاص بدون مبالغه از ده ها صفحه تجاوز می کند، لذا تصمیم اتخاذ نمودم تا از این بحث در همین جا "خدای په امانی" کنم بگذارمش به آینده اگر عمر وفا کردتا در باره پروژه های تفحصات پترول، کود و برق شیرغان، سپین زر قندز، قندسازی بغلان و غیره کم و بیشی بنگارم. به سمع خوانندگان گرامی بایست برسانم که نسبت به مصروفیت ها در منزل شاید وقفه ها در نوشتن به وجود آید از اینرو درخواست می نمایم تا آنرا ندیده گرفته منت گذارید.

با امتنان از دوست دانشمند عباسی اینک شما و این است نوشته شان در فیسبوک که بنده را تشویق نمود تا چیزی که در مورد بنگارم که یقین پایان آن نبوده و در آینده بالای آن بیشتر خواهم نوشت. و من الله التوفیق

اگر صفحات کتاب غم انگیز گذشته ها را ورق نزده وقایع، رویداد ها، و گزارشات کودتا ها و دوران تنظیمی ها و طالبان و عواقب هر یک را، گر چه فراموش ناشدنی است، که بیان زندگی ملتی است که در طول این مدت به جز رنج، غم، مصیبت، هراس و خشونت چیزی ندیده، برای لحظه کنار بگذارم و آن چه از سال ۲۰۰۱ بدین سو بر این وطن و مردمش گذشت در محراق توجه قرار دهم به صراحت، وضاحت و مستند باید گفت که در حق این ملت نه تنها ظلم بی حد صورت گرفته بلکه خیانت عمدی و علنی انجام یافته.

با حيله ها، تزوير ها، صحنه سازی ها، ریا کاری ها، رنگ آمیزی ها و دروغ گویی ها این ملت که بسی توقعات و انتظارات داشت فریب داده شده و برایش پیهم مصیبت آفریده شده که تا امروز با آن دست و پنجه نرم کرده ره برون رفت نمی یابد.

به طور بی سابقه بلیون ها دالر به دامن این وطن ریخت، با منفی کردن حق مولا، کمیشن و ته جایی کمک کنندگان، اگر یک بر ده (۱/۱۰) این کمک ها برای ارتقاء سطح زندگی مردم و عمران و آبادانی مملکت مصرف می شد امروز افغانستان سر و صورت دیگری می داشت. ولی دردا و حسرتا! همان گونه که ریزش باران کمک بی سابقه بود به همان پیمانانه چور، چپاول، غارت و سرقت این کمک ها در جهان نظیر نداشت. با کمال بی حیایی، پر رویی، دیده درایی و بی هراسی از هرنوع پرسان و باز خواست این جنایات صورت گرفت.

هیچ مداران شناخته شده شب در میان خود، وابستگان و اقارب شان میلیونر شده حسابات بانکی در خارج و صاحب ویلا ها در دوبي شده و قصر و برج و با روی داخل چربوی سر شکمبه بود.

گر چه امریکا بر بنیاد سیاست خاص خود تهداب چنین شرائط را گذاشت و از کرم های لب جو اژدها ساخت ولی شخصی به نام حامد کرزی این رسم فساد را به گونه فرهنگ متداول گسترش بخشید و به مفسدین هم مقام داد و هم منصب و هم جواز غارت دارایی عامه و گفت هر چه می خواهید انجام دهید تا وقتی که پهلوی من ایستاده اید و از من حمایت می کنید.

مؤسسات چون مبارزه با فساد اداری، دفاع از حقوق بشر، جامعه مدنی و سازمان دفاع از حق زن و تأمین عدالت اجتماعی همه نام نهاد، دروغین و فاقد هرگونه صلاحیت اجرائیوی بودند.

نظامی ایجاد شد که صادقی به ذره بین پیدا نبوده رئیس جمهور، معاونینش، وزرایش، والیانش و قاضی و مفتی و خارنوال قوماندان امنیه هر جنرال دگر و ستر و تورن و بریدش و حتی داکتر و درملتون والایش یا خود دزد بودند و یا همکار دزدان.

با ثروت اندوزی کسانی که در تموز کلوش می پوشیدند و در فقر می زیستند بازار تجمل پرستی رونق یافت تفاوت زمین تا آسمان در خوراک، پوشاک، اماکن زیست و وسایل عیش و عشرت شان پدیدار گشت.

جمعیت دیگری با موجودیت ۳۵۰۰۰ سپاه خارجی و گشایش هزاران دفتر مختلف NGO و غیره، ظاهراً به نام خدمات بشری و در واقعیت برای بهره برداری های گوناگون، به حیث مأمور، ترجمان، موتر ران، آشپز و پیش خدمت و یا محافظین امنیتی خصوصی استخدام شده و درآمدی پیدا نمودند که مسلماً هر دو عامل سطح تقاضا را بلند برده رفع احتیاجات به شمول مواد خوراکه از منابع داخلی میسر نبوده باعث رونق عجیب تجارت گردید و آن هم تجارت وارداتی به امتعه استهلاکی که مفاد بلیون دالری نصیب چین، هندوستان و پاکستان و ایران گردید، تنها صادرات پاکستان سالانه به ۵ بلیون دالر ارتقاء یافت. این حجم بی سابقه واردات عواید گمرکاتی را بلند برده

و منفی دزدی ها قلم عمده عواید دولت را می ساخت. اما این سراب فریبنده بوده تأثیری مؤثری در انکشاف اقتصاد ملی نداشت و این عواید مطابق اصول اقتصاد برای انکشاف اقتصاد ملی مسیر نیافت، با خروج سپاه خارجی و بسته شدن هزاران دفتر به ده ها هزار افغان بی کار و صدها تشبثی که برای خدمات ایجاد شده بود بسته و درب هزاران خانه کرایه مسدود شد. هزاران جوان مستعد به کار بیکار شده و برای امرار معیشت با مصرف ده ها هزار دالر با زن و اولاد خود با قبول خطرات به روی ناچاری آهنگ پناه گزینی در اروپا نمودند که عده زیادی در دریا ها غرق و دیگران روانه زندان ها شده و بقیه با از دست دادن چند عضو فامیل قبول نشده مسترد گردیدند.

می گویند که در سابق کار نه شد و مملکت در عقب افتادگی و فقر عمداً نگهداشته شد.

نه به حیث پیر مرد قدیم و کارمند پیشین مگر بر اساس واقعیت من فهرست ده ها پروژه بزرگ انکشافی را از دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۷۰ در هر ساحه خدمت تقدیم می نمایم که با عواید منابع ملی و قرضه ها و کمک های ناچیز ممالک خارجی و مؤسسات بین المللی اکمال گردید. من اسناد مؤثق و مستندی دارم که توسط متخصصین اهل فن تهیه شده که شرح هر یک ایجاب بحث جداگانه را نموده در این مختصر نمی گنجد. در مجموع تعداد ۱۰۱ دستگاه بزرگ صنعتی توسط دولت و صد های دیگر توسط تشبثات خصوصی تأسیس گردیده فعالیت داشتند و در حدود ۳۵۰۰۰۰۰ کارگر مشغول کار بودند. در ساحه زراعت می توان از پروژه های بزرگ وادی هلمند، آبیاری دهله، پروژه کجکی، کانال ننگرهار، هده، سرده و پروان و ده های دیگر یاد کرد. تشکیل قوای کار و قوای سبز از ابتکارات دوره صدارت شهید محمد داوود خان بود که در پروژه شاهرای سالنگ ۲۵۰۰۰ نفر کار می کرد.

حالا مرور گزرا بر دست آورد هر ساحه اقتصادی و اجتماعی در این هژده سال می نمایم:

۱- تجارت:

از زمان شتر کجاوه تا امروز همان چند خوشه انگور و چند کواره انار کشمش پسته و خسته و گیاه های طبیعی به نیم قاره هند می رود. نه تنها در تجارت و صادرات ما کدام قلمی افزوده نشده بلکه صادرات گاز طبیعی و نفت خام از بین رفته، قالبین بافان ماهر ما یا پاکستان رفته ویا ترکیه صنعت قالبین اگر کاملاً از بین نرفته قالبین افغانستان بازار ندارد. صنایع عنعنوی کُرک، برک و ابریشم محو ودر صادرات و جود ندارد و قره قل بازار ندارد. در تجارت خارجی میان واردات و صادرات توازی وجود ندارد و نشانه برای تغییر به چشم نمی خورد.

۲- صنایع:

به استثنای سرمایه گذاری هایی توسط تجار ملی در ایجاد بعضی صنایع کوچک (که در اثر بی توجهی حکومت و بهانه رقابت بازار آزاد از بین رفت) من معلوماتی در مورد ایجاد یک کارگاه بزرگ صنعتی در این مدت ندارم. در مورد صنایعی که تا حال زیر بنا های آن موجود است که در اثر جنگ ها ویران شده و با مصارف قلیل قابل فعالیت و احیای مجدد بودند توجه صورت نگرفت. تعداد آن به صدها می رسد .

۳- زراعت-

از لحاظ شمول فیصدی بیشتر مردم برای امرار معیشت و تولیدات اقلام مهم صدراتی این ساحه ستون فقرات اقتصاد افغانستان را تشکیل می دهد نه در توسعه ساحه کشت با آبیاری اراضی صالح الزراعه و نه ارتقای سطح تولید و بالا بردن کیفیت تولیدات توجه لازم مبذول نشده نه منابع جدید آبیاری اعمار و نه سیستم های عنعنوی

اصلاح و ترمیم شد و موضوع اقتصاد آب و جلوگیری از ضایعات آب با ایجاد شبکه های بهتر و تخنیکي توجه صورت نگرفته و تسهیلات و امکانات برای تقویة مالی زارعین و مالداران برای خرید تخم های اصلاح شده و کود کیمیای و اجناس بهتر مواشی از طریق اعطای قرضه ها و تأسیس کوپراتیف ها اقدامات مملکت شمول صورت نگرفت.

۴- معارف-

جنبشی در این ساحه پدیدار گشت و توجه در جهت توسعه کمی میزول ولی ارقام نادرست پخش شد و گفته شد که ۱۱ میلیون شاگرد شامل مکتب است و دو سال پیش گفتند غلط کردیم در حقیقت ۶ میلیون است و فساد گسترده در این ساحه مستولی بوده در بودجه اعمار مکتب نشان داده شده که اصلاً مکتب ساخته نشده و یا مکتبی به مصرف چند میلیون دالر ساخته شده که بعد از چند برف و باران منهدم شده. هر ولایت برای چندین هزار معلم تخصیصیه گرفته که اصلاً معلم وجود نداشته و تا هنوز بسی مکتب چوکی و میز ندارد و شگردان روی زمین می نشینند ولی مکتب نیست و اطفال زیر خیمه درس می خوانند. در این بخش اختلاس فساد بی حد بوده.

۵- طب:

در مملکتی به شرائط افغانستان خصوصی ساختن طبابت یک خیانت بزرگ بود امروز طبابت غیر معیاری با کیفیت پائین اکثریت مردم را مجبور می سازد که برای تداوی امراض ساده با قرض و وام پاکستان و هندوستان بروند. داکتر، لابراتوار و در ملتون مافیای طبابت را تشکیل داده. اثر و خبری از اعمار کدام شفاخانه عصری در مرکز و ولایات نیست. شفاخانه قدیم جمهوریت که به کمک چین فعال شد بنابر نواقص تعمیراتی و تخنیکي بار ها مسدود شد. اهالی قراء و قصبات به وسائل طبی دسترسی ندارند. هر ولایت بر اساس سیالداري فاکولته طب ساخت که به فقدان اساتید مجرب، لابراتوار و مواد درسی مبتلا اند و فارغان حد اقل اهلیت یک طیب را ندارند.

۶- خدمات اجتماعی -

احصائیه رسمی دولت تعداد بی کار را بیش از ۴۰٪ نشان و ۵۰٪ نفوس نظر به معیار های بین المللی تحت خط فقر زیست دارند. در این شرائط برای بلند بردن سطح استخدام و خلق عاید و چرخش اقتصاد، اگر اندیشه بهبود حال مردم وجود داشته باشد، روی دست گرفتن پروژه هایی است که با استخدام کارگر زیاد با کم ترین استفاده از وسائل تخنیکي است مثلاً اعمار سرک های فرعی، تصفیه و پاک کاری شبکه های آبیاری و اعمار پارک ها و تنظیفات شهر ها و غرس نهال و سرسبزی و غیره .

۷- انرجی -

به استثنای تکمیل بند آبیاری و تولید برق سلما که میراث قدیم بود من از احداث کدام بند آبیاری و تولید برق در سرتاسر مملکت اطلاع ندارم و اکثریت از انرجی برق محروم اند . یگانه دست آورد دوره کارگری اعمار برق حرارتی «هود خیل» بود که در محاسبه مصرف دیزل اشتباه بزرگ توسط یک متخصص هندی صورت گرفته و مصرف دیزل جنراتور نه تول انگور بوده و قیمت هر کلیوات برق تولید این دستگاه از تصور بالا بود و دستگاه متوقف شد. پایتخت آب صحی کافی آشامیدنی ندارد.

از اقدامات حکومت کرزی و حکومت فعلی در احیای بند ماهی پر و نغلو، درونته، جبل سراج و چک وردک معلومات در دست نیست. و این که توربین پنجم بند کجکی نصب و شبکه انتقال برق تکمیل شد چیزی نمی دانم.

خلص کلام، هموطن نازنینی که ترا دارم، به جز خیانت خدمتی در این وطن با مد نظر داشت منابع مالی و ده ها کنفرانس بین المللی صورت نگرفت.

۸- آرزومندی:

هر کسی را آرزویی است و پروراندن آن در دل گناه نیست، مرا هم آرزویی است که شاید در زندگی ام برآورده نشود، که اگر یک زعامت ملی ایجاد و زعیم را بیست نفر مرد وطن پرست، خردمند با اهل و با کفایت در کنار باشد یک محکمه عالی قضایی تحت ریاست قاضی القضاة مسؤل و با وجدان دائر و ده نفرافغان حقوق دان مجرب را از داخل و خارج به حیث خائنوالان تعیین و کرزی و اراکین ملکی و نظامی اش را محاکمه عدلی نماید باز پرس آن صورت گیرد که چه داشتی؟ و حالا چه داری؟ و از کجا کردی؟

Najib Dawary

تحلیل بسیار عالی، منطقی و غیر قابل رد. تحقق این آرمان چندان مشکل نبود، فقط ضرورت به حضور شخصیت های ملی، دلسوز و وطنپرست در رأس قدرت بود وبس. اما طی هفته سال اخیر بخصوص در هنگام دولت کرزی که امکانات زیاد امنیتی و مالی برای تحقق مواد مذکور وجود داشت؛ بشمول کرزی - اشخاصی در رأس قدرت بود که جز به جیب شان به هیچ چیز دیگر فکر نمی کردند.

Farida Farooq Naqshbandi

محترم عباسی صاحب اگر ملیونرها احساس انسانیت می داشتند قصرها بلند منزلها احیا نمی کردند فابریک شفاخانه و مکاتب می ساختند. من برای کی میگویم.

Mohammad Aref Abassi

بلی فریده جان محترمه! از آبادی شان صرف نظر اگر نمی دزدیدند. آن ها کجا و احساس کجا.

Mohammad Aref Abassi

داوری صاحب محترم! شما کاملاً دقیق فرمودید. مرا عقیده به باز پرس اخروی است.

Jawed Payez

بلی فرموده شما خیلی دقیق است

Nezamuddin Karimi

کاملاً دقیق وبجا عباسی صاحب

Ahmad Schaker Popal

حرف های تان همه معقول و به جا اما به حضور نیرو های خارجی و اثر گذاری آنها اشاره ی نکرده اید مثل اینکه آنها نقش یک کتلست را داشته باشند هر چند شما مسلماً معتقد به نفوذ و اثر گذاری آنها هستید.

Shahzaman Arakozie

شاغلی محترم عباسی صاحب

گذارشات بسیار ارزشمند را که در مورد رویداد های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی تحریر فرموده بودی بسیار معلومات مفصل در در زمینه بوده که بدینوسیله از جناب شما صمیمانه تشکر نموده سر فراز باشید صحتمندی و موفقیت های مزید شما را تمنی می نمایم.

Abdul Ashraf Mujadadi

سلام ! از ابتدا حکومت کرزی، الی حال دیده، و تجربه شد که نه کار به اهلش سپرده شد و نه وطن / و ملت دوستی وجود داشت، هر یک به فکر غارت ، و همان چند مهره نادان است که صرف از جا برطرف و به جای

پر عاید تری نصب شده و میشوند چون خود مامورین عالیرتبه لیاقت، فهم، درک و تجربه نه داشتند، از بادیگاردی ریس جمهور ساختن، انتظار کار مثبت را نمیتوان برد.

از شخصی (غ) که مدتها در خارج وطن بوده و کوچکترین معلومات در مورد ملت نداشته و ندارد، چگونه میتوان انتظار کار به جا و موثر را داشت . و یا از (ع) ، که جز در جهاد بوت پاکی را اموخته بود چگونه میتوان انتظار داشت ؟

بهمین قسم وقتیکه آمر (لیدر)، بی کفایت باشد به سادگی میتوان به ترتیب از دیگرانش هیچ توقع برده شده نمیتواند که بار ها، از ابتدا، عرض های نموده ایم.

این وقت را در جنگ های زرگری، تقسیم قدرت مصروف بودند، هستند، و خواهند بود، علاوه بر ملت زجر کشیده و مظلوم، لیدر های جهان را با دروغ، و دیده درایی، ارائه ارقام عاری از حقیقت، با (دم)، روباه صفتانه میفریبند

از ابتدا کرزی تا حال (غ + ع)، با همراهان شان شخصا انتظار نداشته و ندارم چون اکثر مامورین عالیرتبه بی کفایت بودند و هستند.

سخن ها زیاد است اما این صفا گنجایش انرا ندارد که بیشتر تبصره شده بتواند.

اما فرصت طلایی را که افغانستان آباد، و ملت افغان به لب نانی، اقلا بخور و نمیر برسند از دست قصدا داده شد.

Abdul Rahman Khalilzada

در حصه گفته های عالمانه و بیغرضانه جناب شما عباسی صاحب چیزی گفتنی ندارم . بسیار زیبا و بسیار جامع و خوب تحلیل کدید با عزت باشید.

Abdul Sabor Raziqy

از تحلیل جامع خواندنی و آموزشی تان تشکر . خداوند بشما صحت توانایی و همت بیشتر دهد که ما را با نوشته های زیبا مفید و ضروری تان مستفید سازید.

MirNasseruddin Kaleem Zeewari

جناب عالی درود بی پایان به شما استاد عباسی صاحب.

نوشتار جناب شما را از سر تا پا مطالعه کردم باور کن من هم از جمله همان کهن پوشان هفتاد سال قبل هستم گاهگاهی باخود میگویم کاش هست نمیشدم تا به مقایسه دیروز از دهه پنجاه تا دهه هفتاد خرابی ها ،ظلم، تعدی، بی مروتی و دشمنی با هموطنان و کادر وطن را توسط يك تعداد اولاد ناخلف ان نمیدیدم من باین نظر هستم که همه رویداد ها مانند افتاب جهانتاب به امریکا و همپیمانانش هویداست و حتی محکمه لاهه را اخطار داده است که از تعقیب جانین جنگی افغانستان دست بکشند و رنه قضات محکمه به فشار های. گوناگون. دچار خواهند شد وده ها سؤال دیگر .

ای کاش مانند سالهای ماضی یعنی اشغال نظامی و سیاسی اتحاد شوری وقت افغانها ی مقیم اروپا و امریکا تظاهرات را به راه اندازند تا مردم امریکا از سیاست استعمار جدید امریکا آگاه شوند و ملیون ها دالر شان که از طریق مالیات بنام کمک به مردم افغانستان سرازیر شده از بوشیست ها و و پرسیان شود

و هم بامعلوماتی که جامعه بینالمللی از مختلسین، غاصبین و انهائیکه سرمایه افغانستان را به خارج انتقال داده اند در توأمیت با حکومت وحدت ملی مورد پیگرد قانونی قرار گیرند و امریکا بگذارند تا محکمه بینالمللی در اجرای امور خویش در باره جانیان جنگی در افغانستان مطابق قانون موضوعه تصمیم بگیرند.

ممنون

